زیبایی‌شـــــناسی باغ‌های ایرانی هند

تأثیر ذوق هندی بر باغ‌های ایرانی شبه قاره هند در منطقه آگرا

محمد جمشیدیان

کارشناس ارشد معماری منظر
mohammad.jamshidyan@gmail.com

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی "تأثیر متقابل هنر ایران و هند" و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۱ است که در مرکز پژوهشی نظر انجام شد.

چکیده

باغ ایرانی در دوره گورکانیان که به دلایل و شرایط خاص سیاسی، تبادل فرهنگی ایران و هندوستان رو به فزونی نهاد، به همراه دیگر محصولات فرهنگی و هنری با سفر به کشور هندوستان دچار تحولاتی شد. این تغییرات را می‌توان در سه دسته مورد بررسی قرار داد : شرایط سیاسی و اجتماعی متفاوت، موقعیت جغرافیایی خاص و بستر فرهنگی و تمدنی هند.

این پژوهش یکی از عوامل این تغییرات یعنی تأثیر «ذوق و سلیقه» مردمان هند بر باغسازی ایرانی را بررسی می‌کند. این نوشتار به روش تحلیلی- تفسیری و مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی به تشریح ذوق هندی تحت عنوان «تزئین‌گرایی» می‌پردازد و اینکه این امر چگونه در تطور باغ ایرانی در هند مؤثر افتاده است. بدین‌ترتیب ابتدا واژه ذوق هندی و تزئین‌گرا بودن آن بیان می‌شود، آنگاه به نمونه‌هایی از بروز ذوق هندی در باغ ایرانی اشاره می‌شود. این دگرگونی‌ها را می‌توان در چهار زمینه مشاهده کرد: نخست تقسیم‌بندی‌های ریزتر و تزئینی در پلان باغ؛ دوم آراستن طرح کاشت باغ با گیاهان تزئینی و متنوع؛ سوم جزئیات محوطه‌سازی و چهارم استفاده زینتی از عناصر طبیعی مانند آب و درخت. پژوهش حاضر نشان‌دهنده این اثرگذاری بر صورت باغ در وجوه مختلف و عدم تغییر ساختاری و اساسی در اصول بنیادی آن است. ذوق هندی به عنوان عاملی فرهنگی در لایه‌های بیرونی ساختار باغ تزئیناتی را وارد می‌کند و منظر باغ ایرانی را از منظری حماسی خارج می‌سازد.

واژگان کلیدی

زیبایی‌شناسی، ذوق هندی، باغ ایرانی، تزئین‌گرایی، باغ ایرانی هند.

مقدمه

حکومت گورکانیان هند که با سلطنت «بابر» در ۹۳۲ ه.ق. (۹۰۵ ه.ش. – ۱۵۲۶م.) در دهلی آغاز شد؛ در دوره همایون که مدت زیادی را در دربار شاه طهماسب صفوی و ایران گذرانده و به شدت متأثر از فرهنگ ایرانی بود، امپراطوری بزرگی را در تاریخ کشور هند بنیان نهاد. "اهمیت و نقش ایران در شکل‌گیری فرهنگ و هنر گورکانی چنان بود که مدیحه‌سرایان در وصف یکی از افراد عالی‌رتبه که از حامیان مهم معماری به شمار می‌رفت گفتند که: وی هندوستان را به ایران تبدیل کرد" (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸ : ۶۴). در این دوره محصولات غنی فرهنگ ایران از جمله معماری، موسیقی و زبان نفوذ عمیقی در شکل‌دهی به فرهنگ هندی داشت. باغ ایرانی نیز از جمله این محصولات به شمار می‌آید که با عملکردهای گوناگون و به خصوص باغ‌مزار – به عنوان یکی از انواع باغ‌های ایرانی – وارد شهرهای هند شد. اما طبیعتاً با ورود به فرهنگی تازه و متأثر از زمینه‌ای نو دچار تغییراتی در کالبد و محتوا شد. این تغییرات را می‌توان در سه دسته کلی دسته‌بندی کرد و مورد بررسی قرار داد :

• تغییراتی که به واسطه قرارگیری در یک برهه تاریخی با شرایط سیاسی و اجتماعی متفاوت اعمال شده است.

• تغییراتی که به واسطه قرارگیری در یک موقعیت جغرافیایی خاص ایجاد شده است.

• تغییراتی که به واسطه قرارگیری در بستر فرهنگی و تمدنی هند بر آن اعمال شده است.

زیبایی‌شناسی باغ‌های ایرانی در هند، از جمله تأثیراتی است که در دسته سوم و در بستر فرهنگی این سرزمین قابل بررسی است. برای این بررسی باید نخست به این سؤال پاسخ گفت که آیا باغ ایرانی با ورود به این کشور متحول شده است؟ در وهله دوم باید دانست، این تغییرات در چه سطح و تا چه حد در باغ نمودار است؟ و نمونه‌های این تغییرات در باغ‌های هندی کدامند؟

فرضیه

باغ ایرانی با ورود به کشور هندوستان متأثر از زیبایی‌شناسی حاکم بر هنر هند؛ که از سلیقه جمعی و «ذوق» هنری خاصی برخوردار است دچار تغییراتی شده که گونه باغ ایرانی هند را پدید آورده است. خصوصیات مهم این گونه تحت تأثیر «ذوق هندی» ایجاد شده است.

تعریف مفهوم «ذوق»

ذوق یک ادراک زیباشناسانه است. ذوق یعنی «سلیقه» (معین، ۱۳۶۴ : ۱۶۱۲) و "تمایل خاص فطری و خلقی کسی به چیزی" (دهخدا، ۱۳۹۱) و عبارت است از یک تمایل و ذائقهٔ درونی که در ساحت جمعی یک ملت، تمامی شئونات زندگی افراد آن جامعه را به یک سری خصوصیات واحد سوق می‌دهد. ذوق که در زیباشناسی عموماً به استعداد یا قابلیت درک ویژگی‌های زیباشناسانه اشیاء اطلاق می‌شود، در زیباشناسی قرن هجدهم اهمیت تمام داشت، اما در حال حاضر اهمیت خود را از دست داده است. در ادبیات کنونی زیباشناسی، ذوق مفهوم گسترده‌ای است که از آن لحاظ‌کردن وجه زیباشناسی یک پدیده را مراد می‌کند. نخستین نویسندگانی که به این موضوع پرداختند، نظیر شافتسبری و هاچسن (Shaftesbury & Hutchseson)، بر این باور بودند که قضاوت زیباشناختی به «حسی درونی» نزدیک به وجدان اخلاقی فرد متکی است. در این تعاریف ذوق، معیار و ملاکی برای داوری و سلیقه به حساب می‌آید. کسانی که ذوق را شکلی از ادراک یا شهود زیباشناختی قلمداد می‌کنند عمدتاً می‌پذیرند ذوق قسمی احساس درونی است که به کمک آن، زیبایی یا شکوه و متعالی‌بودن یک پدیده و صفاتی از این دست را می‌توان تشخیص داد، و وجه بارز آن احساس رضایت است که به فرد دست می‌دهد. گرچه این تعریف می‌تواند در زمینه‌های مختلف با شرح و بسط بیشتری ارایه شود؛ اما آنچه در این مقاله مدنظر است و تحت عنوان «ذوق هندی» از آن نام برده می‌شود، سلیقه تزئین‌گرایی به عنوان یکی از ارکان زیباشناسی فرهنگ و هنر هند است. اگرچه هنر، یک پدیده فرهنگی به غایت پیچیده است، با این همه، ذوق، الزاماً محصور در فرهنگ نیست (ویول، ۱۳۸۸). ذوق هندی برخاسته از فرهنگ و تمدن این سرزمین، یک تمایل و ذائقهٔ زینت‌گراست. یک سلیقه جمعی و درونی در بین مردمان هند است که در تمام عرصه‌های زندگی ایشان بروز و نمود دارد. زیبایی‌شناسی فرد هندی او را به سمت تزئین هر محصولی می‌برد که به دست خود می‌سازد. در کل می‌توان گفت : «تزئین‌گرایی» در فضای ذوقی هند، یعنی علاقه به هرچه پرزیور است و هرچه پرطمطراق‌تر نشان‌دادن مصنوعات جامعه هند. برای تدقیق ذوق هندی، به بررسی چند عرصه که محل بروز آن بوده می‌پردازیم :

• ذوق هندی در ادبیات : زبان و ادبیات فارسی در دوره‌ای طولانی زبان رسمی، علمی، درباری و رایج در هندوستان بوده است و در همین دوره بنا به شرایط سیاسی– اجتماعی ایران، بستری مناسب برای رشد و نمو شعر پارسی می‌شود. شعر پارسی در سبک هندی تحت تأثیر «ذوق» هندی، شعری است پر از استعارات، کنایات، ترکیبات و سایر آرایه‌های ادبی که در واقع تزئین متن و سخن اصلی نویسنده به حساب می‌آید. "به طور اجمال می‌توان گفت سخن‌سرایان این شیوه عموماً به ابداع مضمون و آوردن تشبیهات تازه علاقه وافر دارند و شاید به همین جهت فصاحت و سادگی را به دست اهمال سپرده‌اند. باریک‌خیالی، تصورات دقیق و گاهی دور از ذهن و اغراق و مبالغه میان این دسته از شعرا رواج دارد" (دشتی، ۱۳۵۵ : ۵۲). در این سبک توجه مبالغه‌آمیز به خیالات رنگین، تخیل و توهم

و باریک‌اندیشی و بیان مضمون‌های جدید و دیریاب و آوردن مثل دریافت شعر و نیز به‌کارگرفتن هنرهای شعری مانند تشبیه و مجاز و ... رواج کامل دارد (مصطفوی‌سبزواری، ۱۳۷۳). این آرایش سخن تا جایی ادامه پیدا می‌کند که جان اصلی کلام را مخدوش می‌کند و خود اصالت پیدا می‌نماید. «ملک‌الشعرای بهار» در کتاب ارزشمند «سبک‌شناسی» درباره این دوره تاریخ ادبیات می‌نویسد: "... نویسنده مقیم هند بیشتر می‌خواهد اظهار فضل کند و کمتر مطلب بیان‌کردنی دارد؛ یا اگر دارد به جای اینکه حرف خود را بنویسد از در و دیوار صحبت داشته" (بهار، ۱۳۸۲ : ۲۵۹). برای لمس واضح‌تر این موضوع چند نمونه از شعر شعرای این دوره آورده شده است :

اگر بر روضه حسن تو زنبور عسل افتد
گلاب از ابر می‌بارد ز دود شمع تا محشر (صائب)

تا حیرتِ خرام تو سامان دیده است
چندین قیامت از مژه‌ام سرکشیده است

آزادم از توهم نیرنگ روزگار
طاووس این چمن، ز خیالم پریده است (بیدل دهلوی)

در نتیجه می‌توان گفت، شعر فارسی با ورود به هند و تحت شرایط خاص فرهنگی که گفته شد، متأثر از ذوق هندی دچار تزئینات و آرایه‌های مفصل ادبی شد که گونه‌ای به نام «سبک هندی» را در تاریخ ادبیات ایران رقم زد. البته همان‌طور که اشاره شد، این سبک در ایران مصادف با حکومت صفویه در اصفهان دنبال می‌شود و "از آنجا که این شیوه با وجود صائب به کمال رسید؛ می‌توان این سبک را سبک اصفهانی – با توجه به اقامت وی در اصفهان – یا سبک صائب نامید. چنانکه معاصران او نیز این سبک را «طرز میرزا» یا «طرز صائب» گفته‌اند. به نظر مرحوم امیری ... – که این سبک را به عنوان سبک اصفهانی یا صائب معرفی می‌کند– امتیاز سبک صائب از سبک عراقی تنها در صورت، منحصر است به غزل و در ماده کار مقصور است در خیالات باریک‌تر و اقسام تمثیلات و تشبیهات و استعارات تازه" (محمدی، ۱۳۷۵ : ۳۱و۳۲). اما نمی‌توان از تأثیرگذاری زمینه هند بر ادبیات فارسی در این دوره چشم پوشید.

• ذوق هندی در نوع پوشش : یکی از عرصه‌هایی که نه فقط در طبقه هنرمندان و خواص، بلکه نزد عامه مردم و زندگی روزمره مردمان، محل ظهور ذوق است پوشش و لباس اهالی سرزمین است. رنگ‌های متنوع و اغلب شاد، لباس‌هایی با انواع زیورآلات فلزی و چوبی و استفاده فراوان از زیورآلات زنانه در صورت، پا، دست و مو سلیقه رایج را در میان مردمان هند نمایش می‌دهد که تزئین‌گرا بودن در زیبایی‌شناسی آن اصالت دارد (تصاویر ۱و۲).

• ذوق هندی در فرهنگ غذایی : شهرت سلیقه غذایی هندیان که شامل طعم‌های تند و پر از ادویه می‌شود نیز نیاز به تشریح بیشتر ندارد. اگر مواد اصلی غذا را به عنوان «متن» در نظر بگیریم، ادویه‌جات همواره به عنوان «حاشیه» و تزئین طعم و

تصویر۱. انواع زیورآلات هندی که در اقشار مختلف جامعه استفاده می‌شود؛ از دوره‌گردان تا افراد طبقات مرفه. جیپور. عکس : محمد جمشیدیان، ۱۳۹۱.

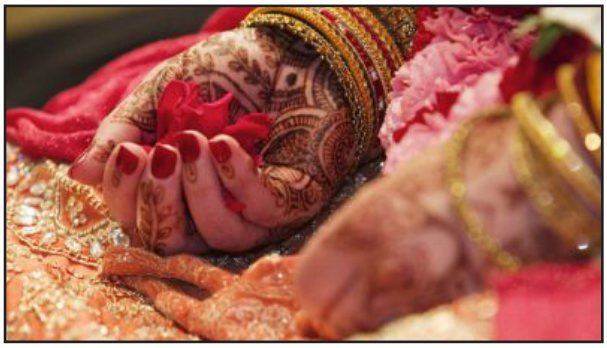

تصویر۲. در قسمت‌های مختلف بدن نه تنها استفاده از انواع ابزار تزئینی برای آراستن صورت و دست و پا رایج است، بلکه نقش‌بندی و نگارگری روی دست و پا هم از سنت‌های رایج این سرزمین است. مأخذ : www.topnop.ir.

ظاهر غذا به حساب می‌آیند. اما این تزئین باز هم آنچنان قوی می‌شود که ادویه‌جات گاه نام غذای اصلی را به خود اختصاص می‌دهند. ادویه «کاری» (Curry) از مهمترین افزودنی‌های همه غذاهای هندی است و این در حالی است که هندیان خورشتی به نام «کاری» دارند.

«نجف دریابندری» در کتاب «مستطاب آشپزی، از سیر تا پیاز» با تحقیقی جامع در تاریخ و انواع آشپزی مردمان دنیا، ضمن

اشاره به سه سبک آشپزی «ایرانی، چینی و رومی»، آشپزی هندی را زیرشاخه‌ای از سبک ایرانی می‌داند. وی با اشاره به دوران حکومت پادشاهان گورکانی می‌نویسد : "...آشپزی هندی، آشپزی دربار پادشاهان گورکانی هندوستان بوده است و این همان چیزی است که با «داروهای گرم» یا «گَرَم‌ماسالا»ی هندی آمیخته شده و امروز در جهان به نام آشپزی هندی شناخته می‌شود. اگر فلفل و گرم‌ماسالا را از آشپزی هند کم کنیم، طبعاً به آشپزی گورکانیان ایران، یعنی آشپزی ایرانی در عصر تیموری می‌رسیم" (دریابندری، ۱۳۸۴ : ۹۹). وی در بخش آشپزی هندی می‌نویسد : " همه این مردم غذاهای متنوع خود را بسیار مأکول و مطبوع تهیه می‌کنند و وسیله این کار مجموعه گیاه‌های معطری است که در خاک هندوستان به بار می‌آید و مردم آن را به نام «گَرَم‌ماسالا» (مصالح گرم) در پخت‌وپز به کار می‌برند... در هر حال کیفیت خاص غذاهای هندی تا حد زیادی مربوط به کاربرد گرم‌ماسالا است" (همان : ۱۰۳).

• ذوق هندی در هنرهای تجسمی و معماری : نگاهی گذرا به نمونه‌های هنرهای تجسمی شامل نقاشی، مجسمه‌سازی و صفحه‌آرایی از ذوق تزئین‌گرای هندیان حکایت می‌کند. تکرار نقش‌مایه‌های ریز و پرکار، ریزه‌کاری‌های ظریف در ساخت مجسمه‌هایی در نمای یک بنا که تعداد آنها به هزاران می‌رسد، بیانگر این ذوق است.

نوعی معماری به نام بناهای زنانه در اصطلاحات هنری هندوان یافت می‌شود که محل حضور زنان اشراف در اقامتگاه‌های سلطنتی بوده است و بنا به سلیقه تزئین‌گرای زنان هندی پر از ریزه‌کاری‌هایی از جنس گچبری، سنگ‌کاری و حجاری در نما و حتی فضاسازی است. این موضوع در دوره اسلامی که حامل نقشی متمایز برای زنان بوده مشهود است؛ مطالعات معماری هند و اسلامی حکایت از آن دارد که : "هنر هند و اسلامی اساساً با هنر هند و بودایی سابق بر آن فرق می‌کند... اما به انحاء مختلف وابسته بدان است. یعنی با پس‌زمینه مشترک جغرافیایی و حتی نژادی و کاربست برخی از مواد و به‌کارگیری و گمارش بنّایان، نقاشان و سایر محترفه هندو و تنفیذ ذوق و سلیقه هندی از طریق هندوان مسلمان‌شده و زنان هندو در «زنانه[1]های سلطنتی و اشرافی» از پیشینه خود متفاوت شده است" (هالاید و گوتس، ۱۳۷۶ : ۵۰). "جریان دیگر در هنر هندو، زنانه‌های بزرگ با تعدادی از زنان هندو بود که ظاهراً به اسلام گرویده بودند ولی در عمل به آداب بومی، جواهرآلات و لوازم زندگی روزمره پایبند بودند" (همان : ۵۱). نمونه بسیار زیبای این ابنیه را می‌توان بنای «هوا محل» در شهر جیپور مثال زد (تصویر۳).

ذوق هندی در باغ ایرانی هند

هندیان در مواجهه با محصولی به نام باغ ایرانی، ناخودآگاه در نمونه‌هایی که خود شروع به ساخت و پرداخت آن می‌کنند، روحیه تزئین‌گرایی و فضای ذوقی خود را در آن دخیل می‌کنند. در این بخش به دنبال یافتن این تأثیرات در باغ ایرانی وارد شده به سرزمین هندوستان هستیم. اما آنچه پیش از آن قابل توجه است؛ این است که این تأثیر نه در ساختار و هندسه باغ، بلکه در سطوح بیرونی و نگاه مینیاتوری و تزئین‌گرا به عناصر باغ ظاهر می‌شود. هندسه قوی و سازمان فضایی کامل باغ ایرانی در این زمینه همچنان به قوت خود باقی است، اما نوع به کاربردن

تصویر۳. هوامحل از زیباترین بناهای هند، نمونه‌ای کامل از معماری زنانه و سلطنتی این کشور است که کاربری آن نیز برای تماشای حرکت سربازان از پشت پنجره‌های آن توسط زنان خاندان حکومتی بوده است. جیپور، هند. عکس : محمد جمشیدیان، ۱۳۹۱.

عناصر است که تغییر پیدا می‌کند. این امر ریشه در ماهیت و اصالت باغ ایرانی دارد که بر هندسه، خطوط راست‌گوشه و منظری بسیار منظم استوار است و بی‌شک تغییر در آن، این باغ را از «ایرانی» بودن خارج می‌کرده است. در اینجا به تغییراتی می‌پردازیم که این تأثیر در باغ‌های ایرانی شبه‌قاره[۲] پدید آورده است :

• معماری بنای باغ : بنا یا اثر معماری موجود در باغ یکی از تجلی‌گاه‌های تزئین‌گرایی در باغ‌های ایرانی شبه‌قاره است. این بنا که غالباً آرامگاه است، آکنده از انواع تزئینات و ریزه‌کاری‌های معماری است. ردپای این ذوق همچنان از دوره‌های قدیم تمدن هند در معماری باغ‌مقبره‌های[۳] دوره گورکانی حضور داشته است. "عناصر معماری تیموری به زودی با سنت‌های ساختمان‌سازی محلی به خصوص با نمای ساختمان‌ها و تزئینات معماری ترکیب شدند. منبع الهام در اینجا احیای سبک تزئینی سنگی متعلق به دوره سلطنتی دهلی بود" (کخ، ۱۳۷۳ : ۳۸). بدون‌شک نگاهی گذرا به معماری معابد پیشین هندویی و بودایی از سده‌ها قبل یا حتی رجوع به معماری و حجاری‌های غارهای آجانتا (Ajanta) و الورا (Ellora) شواهدی محکم بر حضور این روحیه در تمام ادوار هنر و معماری هند است. «ابا کخ» (Ebba Koch) در کتاب «معماری هند در دوره گورکانیان» با اشاره به معماری بناهایی مانند تاج‌محل به سبک معماری شاه‌جهانی اشاره می‌کند و می‌نویسد : "در گستره وسیع‌تر معماری، خصوصیات دیگری به ویژه نقش‌مایه‌های گیاهی تزئینی... در بناها به کار برده شدند. این نقش‌مایه‌ها به عناصر اصلی تزئین ازاره‌ها در معماری شاه‌جهانی تبدیل شدند. در مجموع کاربرد نقش‌مایه‌های گیاهی نوعی بازگشت به تزئینات معماری از جنبه‌های اغراق‌آمیز تصویری دوره پیشین به روش‌هایی هنری بود که با قوانین اسلامی مطابقت داشت... در همان زمان شکل گل‌ها و گیاهان که حتی از برخی نمونه‌های طبیعی یا اسطوره‌ای نیز بهتر بودند ادعای شعرا را مبنی بر این که ساختمان‌های سلطنتی نوعی بهشت روی زمین بوده‌اند، تأیید می‌کرد" (همان : ۹۵).

در اهمیت و نقش این تزئینات در زمان ساخت بنای مقبره، می‌توان به این نکته اشاره کرد که یکی از مهمترین مراحل تکمیل بنای معماری مرحله تزئینات و حضور صنایع دستی در بنای مقبره است. در کتاب «پادشاه‌نامه» نوشته مورخ همان دوره «ملاحمید لاهوری» که در بخش‌هایی از آن به تشریح مراحل ساخت تاج محل پرداخته آمده : "فرش کردن کرسی اول با سنگ: ... و گروه‌ها گروه مردم از سنگ‌تراش ساده‌کار و پرچین‌گر و منبت‌کار که از اطراف و اکناف ممالک محروسه فراهم آمده بودند و هرکدام در صنعت خویش ید طولی داشت با دیگر عمله به کار پرداختند و روی کار آن را به سنگ سرخ تراشیده که اقسام صنایع بدیعه از منبت‌کاری و پرچین‌کاری در آن بروی کار آمده و چنان با هم پیوند یافته که نظر دقیق به درز آن پی نبرد. درباره فرش کرسی و فرش روضه آورده‌اند : ... در تمامی عمارت این روضه از درون و بیرون صناع اعجوبه‌پرداز سحر طراز عقیق و دیگر اقسام سنگ‌های رنگین و احجار ثمین که جواهر اوصافش در بیان آن نگنجد و لآلی نعوتش میزان زبان نسنجد... آنچنان پرچین نموده‌اند که دیده باریک‌بین به دقائق آن نرسد و فکر دقیقه‌رس در ادراک بدایع آن درماند" (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸ : ۷۴-۷۱).

حضور یک معماری پرطمطراق و پرزیور در باغ‌مقبره‌هایی مانند «بی‌بی‌کا»، «همایون» و «تاج‌محل» گواه بر نفوذ ذوق هندی در ایجاد منظر مزین و آراسته داشته است. حضور انواع هنرهای دستی و صنایع تزئینی مانند حجاری و کتیبه‌سازی در نمای بنا، انواع قوس‌های شکنج‌دار و لبه‌سازی‌ها در بناها و ستون‌ها از انواع حضور ذوق هندی در بنای موجود در باغ است (تصویر۴).

تصویر۴. انواع تزئینات بر روی سنگ در معماری بنای تاج‌محل بیانگر اصرار معماران این بنا در آراستن بنای مقبره است. معرق‌کاری با سنگ در این بنا از ویژگی‌های بارز تاج‌محل است. باغ‌مزار تاج‌محل، آگرا، هند. عکس : محمد جمشیدیان، ۱۳۹۱.

تصویر۵. تقسیمات ریزشده در پلان باغچه‌های باغ‌های آبی جیپور و باغ سلطنتی آن نمونه‌های بارز تأثیر نگاه تزئین‌گرایی به پوشش گیاهی چهارباغ ایرانی است. امبرفورت، جیپور، هند. عکس : محمد جمشیدیان، ۱۳۹۱.

• طراحی محوطه : در محوطه‌های باغ هندی، شاید در نگاه اول هندسه غالب چهارباغ ایرانی به نظر آید، اما با نگاهی دقیق‌تر، مخصوصاً به باغ‌هایی که برای تفرج طراحی شده و کمی از فرم خالص چهارباغ خارج شده‌اند می‌توان به این نکته اشاره کرد : تقسیمات پلان و باغچه‌سازی در سطح محوطه گاه آنقدر ریز و پرکار هستند که وجود پوشش‌های گیاهی متنوع، با نگاهی تزئین‌گرا و پوشش‌های کوتاه در رنگ‌ها، بافت‌ها و اندازه‌های متفاوت، بی‌اختیار همان پارچه‌ها و پوشش‌های تزئین و رنگین مردمان هند را به ذهن می‌آورد. در باغ‌های جیپور و بخش‌هایی از قلعه و ارگ حکومتی شاهد باغ‌هایی با تقسیمات ریزشده در پلان هستیم (تصویر۵). در یک مورد خاص در طراحی پلان محوطه به سکوهایی برمی‌خوریم که «چبوتره» نام دارد و این نیز تزئین چهارباغ ایرانی در بعدی وسیع‌تر است؛ به گونه‌ای که عنصر تزئینی به پلان محوطه اضافه می‌شود. "در محل تقاطع خیابان‌های اصلی یک چبوتره یا صحن مرتفع‌تر از سطح خیابان‌ها ساخته شده و در روی آن حوضی مربع‌شکل و در آن پنج فواره ساخته شده است" (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸ : ۹۲). همان‌طور که نگاه تزئین‌گرا در معماری بنای باغ هندی در طراحی نمای آن ظاهر می‌شود؛ در پلان محوطه نیز تقسیمات ریز و تزئینی حکایت از ذوق هندی دارد.

• محوطه‌سازی : در مقیاسی کوچک‌تر از مرحله قبل، روحیه تزئین‌گرایی را در اجرا و جزئیات محوطه می‌توان دنبال کرد :

– لبه‌های باغچه‌ها و حوض‌ها با شکنج‌ها، قوس‌ها و شکل‌های زینتی فراوان یادآور همان حجاری‌های سنگین نمای ابنیه معماری است. در کف و حتی در زیر آب حوض‌ها نقش زیبایی در منظرسازی باغ بازی می‌کند. با حرکت در محور اصلی یا باغچه‌های دو طرف این محور به گونه‌ای مرز باغچه یا حوض از هم جدا شده که گویا یک اثر نگارگری در ترسیم این مرزها در تمام طول باغ جریان دارد (تصویر۶).

– حضور انواع کوچک و بزرگ فواره‌ها و آب‌پاش‌ها در نقاط مختلف حوض‌ها و محوطه‌ها با همان خطوط منحنی و زینتی حاکم بر تزئینات معماری به گونه‌ای ظریف نقشی مهم در غلبه تزئین‌گرایی در منظره‌پردازی باغ دارد.

• حضور طبیعت : نگاه به عناصر طبیعی در باغ نیز یک نگاه تزئین‌گرا و نگارگرانه است. علاوه بر حضور پوشش گیاهی متنوع و رنگارنگ در باغچه‌ها که در پلان کاملاً حالت رنگ‌آمیزی و نقاشی آن را دارند؛ کاربرد دو عنصر آب و درخت نیز در راستای همان ذوق زینت‌گرای هندی سامان داده شده‌اند. اگر استفاده از تنوع گل و گیاه نوعی استفاده سطحی به تزئین کردن باغ با طبیعت باشد، این نگاه در کاربرد دو عنصر مذکور عمیق‌تر درک می‌شود.

در باغ ایرانی حضور درخت نقش‌هایی چون مثمربودن، سایه‌اندازی و ایجاد پرسپکتیو و عمق میدان دید دارد، که نقش اخیر جزو اساسی‌ترین ویژگی‌های باغ است. یعنی حضور محور اصلی با وجود دو ردیف درخت پرسپکتیوساز تأکید می‌شود که تعریف آن اساساً به عهده این دو ردیف درخت است. این اصل که وجه شاخص منظره‌پردازی باغ ایرانی است در ورود به کشور هند، هرچند به طور کامل از بین نرفته، اما بسیار کم‌رنگ‌تر شده است. به نظر می‌رسد نقش اصلی درخت به عنوان عنصر منظرساز طبیعی موجود در باغ، علاوه بر تأکید بر محور اصلی به تبع همان دید نگارگرانه باغساز هندی نقشی است که به عنوان تک‌درخت در تقاطع محورها بازی می‌کند. در بسیاری از باغ‌مقبره‌های هندی تک‌درخت‌هایی بزرگ و تماشایی در محل برخورد دو محور و گاه بر روی همان سکوها قرارگرفته‌اند. گویا

تصویر۶. انواع لبه‌کاری‌های سنگی و حجاری‌ها در کناره باغچه‌ها و حوض‌ها، حضور تزئینات معماری بسیار در محوطه‌سازی باغ‌های هندی چون باغ‌مقبره‌های همایون و تاج‌محل را نشان می‌دهد. عکس : محمد جمشیدیان، ۱۳۹۱.

ذائقهٔ هندی تمایل دارد درخت را مانند سایر عناصر تزیینی در میدان دید وسیع و خالص به تماشا بنشیند و از روی سکوها و صفه‌های مقبره، آن را همچون نگینی نظاره کند. این امر در نحوه تصمیم‌گیری برای طرح کاشت نیز مؤثر بوده است؛ بدین ترتیب که طرح کاشت –لااقل در وضع موجود باغ‌ها– یک پوشش کم‌تراکم را دارد و در سطح وسیع سبز باغ، محل تقاطع محورها را صحنه‌ای تماشایی برای حضور درختی زیبا می‌سازد. در این مورد می‌توان نگارگری‌های عصر مغول که به مینیاتور مغولی در این دوره مشهور است، را نیز شاهدی بر این مدعا دانست (تصاویر ۷ و ۸).

نگاه به آب هم مانند درخت، یک نگاه مینیمالیستی و نگارگرانه است. در اینجا خبری از محورهای عریض آب با حرکات سریع و پرخروش آن نیست. در باغ‌های ایرانی هند کمتر صدای آب، که ناشی از حرکت و حجم زیاد آن باشد، به گوش می‌رسد؛ و در عوض مسیرهای آب باریک و کم‌عرض را می‌بینیم که آب در آنها به آرامی در حرکت است (تصویر۹). انواع حرکات ظریف آب با حوض‌های کوچک و بزرگ در باغ ایرانی هند وجود دارد.

ردشدن از روی آب با پل‌هایی باریک و رسیدن به سکوهایی در وسط یک حوض بزرگ آب، استفاده از انواع بازی‌ها و مظاهر آب و تقاطع دادن مسیرهای آب، همه گونه‌ای از نگرش به آب را شامل می‌شود که برگرفته از ذوق تزئین‌گرای هندی است. گویا انواع قابلیت‌های آب مانند انعکاس، حرکت و زلالی در خدمت این نگرش قرار گرفته است. در نمونه‌ای خاص در مهتاب‌باغ، حوض آب وسیعی که پشت کوشک تخریب شده و در راستای محورِ اصلی تاج‌محل در آن سوی رودخانه قرار دارد، آب را کاملاً برای انعکاس حجم عظیم تصویر تاج‌محل دیده است (تصویر۱۰).

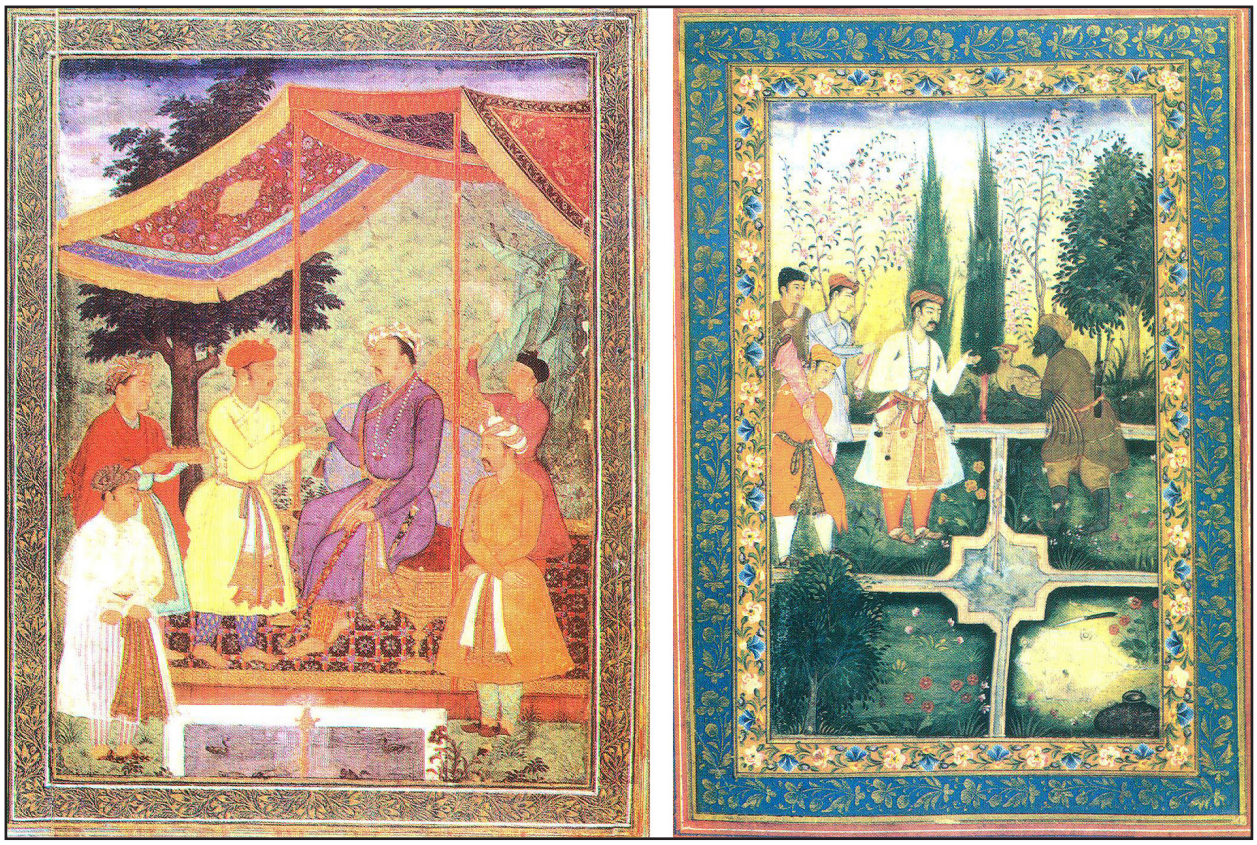

تصویر۷. چند نمونه از نگاره‌های دوران سلاطین مغول. حضور تک‌درخت در نقاشی‌ها و قرارگرفتن درختان در حاشیه بیانگر ذوق منظره‌پردازی‌های هندی است. مأخذ : راجرز، ۱۳۸۲ : ۷۹ و ۲۸.

تصویر۸. درختان در محور اصلی باغ هندی علاوه بر نقش محورسازی، به صورت پراکنده در مراکز محورهای فرعی و در محل‌های تقاطع قرارگرفته‌اند. باغ‌مزار تاج‌محل. آگرا، هند. عکس : محمد جمشیدیان، ۱۳۹۱.

تصویر۹. محورهای اصلی و فرعی آب به صورت باریک و کاملاً تزئینی در سطح باغ کشیده شده است و به نقاط تقاطع مسیرها در حوض‌های کوچک و کم‌عمق می‌ریزند. باغ‌مزار همایون. آگرا، هند. عکس : محمد جمشیدیان، ۱۳۹۱.

تصویر۱۰. حوض عظیمی که در مهتاب‌باغ، پشت کوشک اصلی ساخته شده است علاوه بر کنگره‌های سرتاسری که نماینده ذوق هندی در باغسازی هند است، در ابعاد بزرگ‌تر هم نقشی خاص دارد؛ در واقع تصویر عمارت تاج محل را در خود انعکاس می‌داده است. آگرا، هند. عکس : مهرداد سلطانی، ۱۳۹۱.

نتیجه‌گیری

ذوق هندی با ویژگی تزئین‌گرایی و گرایش شدید به تظاهرات صورت‌گرایانه، به عنوان عاملی مهم در تأثیرات محیطی تازه، باغ وارداتی ایران را به سرزمین هند دستخوش تغییرات مهمی کرده است. این مطالعه نشان داد مهمترین تأثیرات قابل احصاء در باغ ایرانی هند در صورت باغ رخ داده و دگرگونی‌ها، کمتر ساختار و اساس باغ را دربرگرفته است. این موضوع علاوه بر استحکام و قوت ساختاری حاکم بر شاکله باغ ایرانی، ناشی از ذوق هندی است که صورت محصولات فرهنگی و هنری را نشانه می‌رود. تغییر مهم باغ ایرانی هند نسبت به نمونه‌های اصلی آن، طرح کاشت باغ بوده است که با تضعیف منظره‌پردازی حماسی و رسمی خیابان باغ، به دید آزاد ناظر و تقویت خصوصیت تزئین گیاهان در باغ انجامیده است. تراکم تغییرات باغ در صورت آن حاکی از اثرگذاری عاملی صورت‌گرا در این دگرگونی بوده است. در قیاس با سایر وجوه هنر و تمدن هند باید ذوق هندی که منشأ زیبایی‌شناسی مردم این سرزمین است را عامل این تحول به حساب آورد.

پی‌نوشت

* ترجمه انگلیسی این مقاله توسط خانم ترگل حسینی انجام شده که بدین وسیله از ایشان قدردانی می‌شود.

۱. در اینجا منظور اقامتگاه یا ساختمان‌های مخصوص زنان است.

۲. این تأثیرات بیشتر در نمونه باغ‌های منطقه آگرا در شبه‌قاره هند مورد بررسی قرار گرفته است. گونه دیگر باغ‌های ایرانی شبه‌قاره هند، باغ‌های ناحیه کشمیر هستند که از نمونه‌های مورد مطالعه خارج هستند.

۳. باغ‌مزار به عنوان گونه‌ای از باغ‌های ایرانی هند که بنای مهمی در آن واقع شده است مورد بررسی قرارگرفته است.

فهرست منابع

- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۲). *سبک‌شناسی، یا تاریخ تطور نثر فارسی*. تهران : انتشارات امیرکبیر و کتاب‌های پرستو.
- خاتمی، احمد. (۱۳۸۵). *دوره بازگشت و سبک هندی*. تهران : انتشارات پایا و فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی.
- دریابندری، نجف. (۱۳۸۴). *کتاب مستطاب آشپزی، از سیر تا پیاز*. تهران : انتشارات کارنامه.
- دشتی، علی. (۱۳۵۵). *نگاهی به صائب*. تهران : انتشارات امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). *لغت‌نامه فارسی*. قابل دسترس در http://www.loghatnaameh.org/dehkhodasearchresult-fa.html?searchtype=0&word=2LDZiNmC. تاریخ مراجعه : ۲۵ اسفند ۱۳۹۲.
- راجرز، جی.ام. (۱۳۸۲). *عصر نگارگری : مکتب مغول هند*. ترجمه : جمیله هاشم‌زاده. تهران : انتشارات دولتمند.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۸). *تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج‌محل، آرامگاه بانوی ایرانی‌تبار ایرانی*. تهران : انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سلمانی، علی. (۱۳۹۱). *مفهوم ذوق هنری در سنت زیبایی‌شناسی تجربه‌گرا در قرن هجدهم*. تهران : انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی و پژوهشکده هنر.
- کخ، اِبا. (۱۳۷۳). *معماری هند در دوره گورکانیان*. ترجمه : حسین سلطان‌زاده. تهران : انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کوماراسوامی، آناندا. (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر هنر هند*. ترجمه : امیرحسین ذکرگو. تهران : انتشارات روزنه.
- محمدی، محمدحسین. (۱۳۷۵). *فانوس‌های خیال : برگزیده‌ای از غزلهای صائب و دیگر شاعران سبک هندی*. تهران : انتشارات جامی.
- مصطفوی‌سبزواری، رضا. (۱۳۷۳). سیمای هند در سبک هندی. *مجله آشنا*، ۴ (۲۱) : ۴۴-۳۹.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی معین (جلد ۲)*. تهران : انتشارات امیرکبیر.
- ویول، دیوید. (۱۳۸۸). ذوق. ترجمه : مشیت علایی. *مجله زیباشناخت*، (۱۰) : ۲۷۰-۲۶۵.
- هالاید، مادلین و گوتس، هرمان. (۱۳۷۶). *هنر هند و ایرانی- هنر هند و اسلامی*. ترجمه : یعقوب آژند. تهران : انتشارات مولی.